

مقاله پژوهشی: تحریم و امنیت اقتصادی در اقتصاد نفتی ایران

محسن شیرزادی^۱، حسین رفیع‌پور^۲، علی اکبر جعفری^۳، مختار صالحی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۹

چکیده

تحریم یکی از روش‌های غیرنظامی علیه کشورهای مورد هدف است، که به‌طور یک‌جانبه، چندجانبه و دسته‌جمعی اعمال می‌گردد و جنبه‌های مختلفی دارد. استفاده از تحریم‌های نفتی به‌منظور اجرای مقاصد سیاسی روش جدیدی نیست. در این بین، تأثیر تحریم‌های نفتی بر امنیت اقتصادی، یکی از موضوعاتی است که در میان محققان به‌گونه‌های متفاوتی بررسی شده است. در این پژوهش که ماهیتا کیفی است، در چارچوب رویکرد واقع‌گرایی و با استفاده از روش تحلیلی-تبینی، به گردآوری اسنادی و کتابخانه‌ای اطلاعات اقدام شد. نتایج نشان داد که تحریم‌های سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰، گزینه‌های فروش نفت و واردات آن را محدود نمود. در نتیجه، ایران از سیستم‌های بانکی و بیمه بین‌المللی، دسترسی به سرمایه‌گذاری‌های خارجی، فناوری‌های پیشرفته و خدمات حمل‌ونقل دریایی بین‌المللی محروم شد. تصویب برنامه جامع اقدام مشترک، بسیاری از تحریم‌های پیشین را لغو کرد و شرایط توسعه اقتصادی را فراهم نمود. با این حال، در سال ۲۰۱۸ با تصمیم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با خروج از برجام، بار دیگر وضعیت ایران تغییر یافت. اعمال مجدد تحریم‌های آمریکا باعث نگرانی‌های قابل توجهی شد و با توجه به وابستگی به درآمدهای نفتی، اقتصاد ایران محدودیت‌های سختی را تجربه کرد و نظام سیاسی کشور و مردم تحت فشار قرار گرفتند. البته، با توجه به اهمیت منابع انرژی برای شیوه تولید صنعتی، و اهمیت ابعاد اقتصادی در دستور کار امنیتی کشورها، تدارک استلزامات انرژی امن، یکی از ملاحظات مهم برای تولیدکنندگان و نیز مصرف‌کنندگان انرژی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: تحریم‌های نفتی، امنیت اقتصادی، اقتصاد نفتی، اقتصاد انرژی ایران.

^۱ دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه مازندران

^۲ دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) h.rafi@umz.ac.ir

^۳ استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران

^۴ استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران

مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم، تحریم‌ها به‌عنوان ابزار اصلی مجازات و تهدید کشورهای رقیب به اجرا درآمد. ایران یکی از کشورهای شناخته‌شده‌ای است که در طول تاریخ با تحریم‌های اقتصادی و غیراقتصادی زیادی مواجه بوده است (سامور^۱، ۲۰۱۵: ۱۷). تحمیل تحریم‌های چندجانبه و بین‌المللی علیه ایران، از زمان انقلاب اسلامی، از جهات مختلف به‌عنوان ابزاری بزرگ در سیاست ایران و آمریکا تلقی شده است. آمریکا با استدلال جلوگیری از اقدامات تروریستی، فعالیت‌های ستیزه‌جویانه و نمایش قدرت راهبردی در آسیای غربی، ایران را در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تحریم کرد. در اواسط دهه ۲۰۰۰، تحریم‌های بین‌المللی و آمریکا علیه ایران عمدتاً بر حصول اطمینان از اینکه برنامه هسته‌ای ایران برای مقاصد صرفاً غیرنظامی است متمرکز بود. جامعه بین‌الملل از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵، همکاری نزدیکی برای تحریم ایران برای محدود کردن برنامه هسته‌ای خود داشت (خان و زمان^۲، ۲۰۱۸: ۷۴). در طی این سال‌ها، منابع عظیم نفت و گاز و نقش مهم آن‌ها در تولید ناخالص داخلی ایران، صادرات و تأمین مالی بودجه دولت، این کشورها را به تحریم صنعت نفت ایران سوق داد (دیزجی^۳، ۲۰۱۴؛ نیو^۴، ۲۰۱۷). ایران با داشتن ۱۵۵٫۶ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده نفت، سومین کشور بزرگ تولیدکننده نفت و ۳۳٫۹ تریلیون فوت مکعب ذخایر اثبات شده گاز طبیعی به‌عنوان دومین کشور بزرگ تولیدکننده گاز در جهان است (بارکیندو و القحطانی^۵، ۲۰۱۹: ۵۶). از سوی دیگر، قبل از تحریم‌ها در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۳، حدود ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی از ارزش افزوده بخش نفت به دست می‌آمد که حدود ۵۰ درصد بودجه دولت از محل صادرات نفت تأمین می‌شد و حدود ۷۵ درصد صادرات نفت خام و صادرات سوخت بود. بخش نفت ۸۵ درصد از تولید فرآورده‌های نفتی راهبردی داخلی را تأمین می‌کند (نخلی و همکاران، ۲۰۲۱: ۲). از همین رو، تحریم‌های نفتی می‌تواند امری تأثیرگذار بر امنیت اقتصادی کشور باشد.

تاریخچه تحریم‌ها علیه ایران به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی و خروج آمریکا از توافق برجام در سال ۲۰۱۸، نشان می‌دهد که چالش تحریم‌ها به‌ویژه تحریم‌های نفتی علیه ایران چقدر عمیق و راهبردی است که همچنان نیز تداوم دارد (رناک^۶، ۲۰۱۸: ۲۴). بنابراین لزوم طراحی چارچوبی برای تحلیل شوک تحریم‌های نفتی و ارزیابی اثرات آن بر صنعت نفت و اقتصاد کلان و در مجموع امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به‌منظور اتخاذ سیاست‌های صحیح برای مقابله یا کاهش اثرات منفی آن، دارای اهمیت راهبردی است. از آنجایی که شوک

^۱Samore

^۲Khan & Zaman

^۳Dizaji

^۴Nephew

^۵Barkindo and Al-Qahtani

^۶Rennack

تحریم‌های نفتی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر متغیرهای کلان اقتصادی و حوزه امنیت اقتصادی دارد و علاوه بر آن ضربه تصادفی به امنیت کشور در حوزه اقتصادی وارد می‌کند، لازم است تا تأثیرات آن به‌طور دقیق‌تر بررسی شود. این نوشتار می‌کوشد با در نظر داشتن مؤلفه‌های مرتبط با امنیت اقتصادی، تأثیرات تحریم‌های نفتی را بررسی کند؛ چراکه به نظر می‌رسد تحریم‌های نفتی بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تأثیرات بسیاری گذاشته است و این مسئله در این چارچوب قابل تبیین است. این پژوهش می‌تواند دارای نکات و درس‌هایی برای ایران امروز، و کلید فهم موانع و البته راهکارها برای هموار ساختن مسیر رفع تأثیرات منفی تحریم‌های نفتی باشد. تحقیق حاضر از نوع تجزیه و تحلیل کیفی است که با استفاده از روش تحلیلی-تبیینی به انجام رسیده و برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اینترنتی بهره گرفته شده است. در این پژوهش ابتدا پیشینه تحقیق بررسی می‌شود و سپس نگاهی به تاریخچه تحریم‌های نفتی علیه ایران و مرور ادبیات پژوهشی خواهیم داشت. پرسش تحقیق، این می‌باشد که «تحریم‌های نفتی بر امنیت اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران چه تأثیراتی گذاشته است»؟

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

الف: پیشینه‌شناسی

منابع متعددی درباره تحریم‌های نفتی و اثراتی که بر اقتصاد ایران در طول سال‌های اخیر داشته با تأسی از نظریه‌های اندیشه‌ورزان غربی توسط محققان ایرانی و خارجی نگاشته شده است، اما با توجه به رویکرد امنیت اقتصادی و در چارچوب تأثیرات تحریم‌های نفتی بر آن، کتاب، مقاله، رساله یا پایان‌نامه‌ای که این الگو را برای ایران به‌ویژه در طول سال‌های اخیر بررسی کرده باشد، مشاهده نشده است. در این قسمت، نقد و بررسی آثار موجود مرتبط با موضوع پژوهش گزارش شده است:

جدول ۱. خلاصه تحقیقات انجام شده پیرامون موضوع

نام محقق	سال تحقیق	عنوان تحقیق	خلاصه نتایج
عزتی و سلمانی	۱۳۹۳	بررسی آثار مستقیم و غیرمستقیم تحریم‌ها در رشد اقتصادی ایران با تأکید بر بخش خارجی اقتصاد	یافته‌های این پژوهش نشان داده است که تحریم‌ها به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم اثر چندانی بر رشد اقتصادی ایران نداشته است. این مسئله با بررسی تأثیرات تحریم‌ها به‌طور کلی مورد توجه قرار گرفته است، در حالی که بررسی تأثیرات تحریم‌های نفتی بر امنیت اقتصادی، می‌تواند نتایج جدی‌دی دست دهد.
شهناز و نادری اصل	۱۳۹۹	اولویت‌بندی تأثیرات تحریم‌های نفتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله مراتبی	این پژوهش به دنبال بررسی تأثیرات تحریم‌های نفتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر ابعاد اصلی امنیت ملی اعم از نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بوده و این موضوع را با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی بررسی نموده است. نتایج و اولویت‌های به‌دست آمده، می‌تواند راهنمای

بسیاری از سیاستمداران و مدیران در بهره‌مندی از امکانات، زمان و منابع موجود باشد. اما باید بیان داشت که این پژوهش، همه جنبه‌های امنیت را بررسی نموده که موجب گردیده نتواند تحلیل جزئی از این ابعاد به دست دهد. از همین رو، بررسی امنیت اقتصادی و تأثیرات تحریم نفتی بر آن در ایران سال‌های اخیر، می‌تواند نتایج جدید و کاربردی به دست دهد.			
این مقاله، صرفاً از دیدگاه اقتصادی، مسئله تحریم نفتی علیه ایران را مورد توجه قرار داده است. درحالی‌که در پژوهش حاضر، سعی بر درک تأثیرات تحریم‌های نفتی علیه امنیت اقتصادی ایران با تأکید بر حوزه سیاسی است.	اثرات جهانی تحریم نفتی ایران: کاربردی از نظریه بازی‌ها	۱۴۰۰	رصف، رستم زاده، اسلام‌نویان و هادیان
این مقاله به تبیین رابطه نفت و امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و تأثیراتی که تحریم‌ها می‌توانند بر آن داشته باشد، مورد توجه نبوده است. این در حالی است که امنیت اقتصادی می‌تواند بسیار متأثر از تحریم‌های نفتی باشد.	رابطه نفت و امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران؛ تبیین و ارائه راهکاری برای آینده پیش‌رو	۱۴۰۰	افتخاری و خورشیدی اظهر
این مقاله نشان داده است که تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در زمان همه‌گیری ویروس کرونا بر سیستم مراقبت‌های بهداشتی و امنیت سلامت شهروندان ایرانی تأثیر گذاشته است. آنچه باعث تمایز این پژوهش می‌شود، مسئله امنیت اقتصادی و تأثیرات ناشی از تحریم‌های نفتی با تأکید بر دوره اوباما و ترامپ بر آن است.	تأثیر تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر امنیت سلامت جمهوری اسلامی ایران در شرایط کرونا	۱۴۰۱	طالعی حورو مینی

با تأمل در منابع مرتبط که ذکر آن‌ها رفت، می‌توان دریافت که تأثیر تحریم‌های نفتی بر امنیت اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران از منظرهای مختلف و برپایه الگوهای نظری اندیشه‌ورزان مختلف چه در داخل و چه خارج از ایران، مورد بررسی قرار گرفته است، بااین حال، در سال‌های اخیر مطالعات دانشگاهی خوبی در مورد تأثیر تحریم‌ها بر امنیت اقتصادی ایران انجام نشده است. همچنین به‌طور مشخص کاربرست امنیت اقتصادی و تأثیر تحریم‌های نفتی بر آن در جمهوری اسلامی ایران مشاهده نشد. به بیان دیگر، هیچ‌کدام مشخصاً به ایده اصلی تحقیق حاضر به‌طور مستقیم اشاره نداشته‌اند.

ب: چارچوب نظری: واقع‌گرایی

جنبه‌های نظری سیاست اقتصادی از نیمه دوم قرن بیستم در آثار محققانی همچون اوکن^۱ (۱۹۵۲)، تینبرگن^۲ (۱۹۵۶)، فیلیپینکو^۳ و همکاران (۲۰۲۰) قابل مشاهده است. در این بین، تحریم‌ها به عنوان سلاحی در اختیار ثروتمندان و قدرتمندان قرار گرفته است (اکونومیدس، ۲۰۰۱: ۴) و کشورهای ضعیف‌تر به سختی

^۱Eucken

^۲Tinbergen

^۳Filipenko

^۴Economides

می‌توانند اقدام به تحریم نمایند، مگر اینکه در تحریم‌های جمعی شرکت کنند. به گفته هافباور، شات و الیوت^۱ (۲۰۰۷)، تحریم‌ها معمولاً علیه کشورهای کوچک موفقیت آمیز هستند. استفاده از تحریم‌های اقتصادی ممکن است اهداف اقتصادی تعیین شده توسط یک قدرت اقتصادی را محقق نکند یا منجر به زیان شود، زیرا ممکن است تصمیمات اقتصادی را تغییر دهد (کرونین، ۲۰۰۹: ۴). برای دور زدن تحریم‌ها می‌توان از واسطه‌های کشور ثالث استفاده کرد. همانطور که گفته هافباور و همکاران (۲۰۰۷) اشاره می‌کنند، نیروهای بازار اثر تحریم‌های تجاری را تضعیف می‌کنند، اما اثر تحریم‌های مالی را افزایش می‌دهند. تحریم‌های دگرگون‌کننده (به دلیل تغییر در مقررات و تغییر مسیر جریان‌های تجاری) و هزینه‌های سیاسی (حوزه سیاست داخلی و خارجی)، برای کشور هدف دارای اهمیت است. فرانک^۳ (۲۰۱۷) پیشنهاد می‌کند که تحریم‌های جامع علیه شرکای تجاری مهم استفاده نمی‌شود. تحریم‌ها، تجارت بین کشورها را کاهش می‌دهند. هدف قرار دادن تحریم‌ها اغلب دشوار است، بنابراین شهروندان بی‌گناه ممکن است به دلیل سیاست‌هایی که توسط نخبگان حاکم دنبال می‌شود متضرر شوند. اعمال تحریم‌های اقتصادی می‌تواند شهرت کشوری را که تحریم‌ها علیه آن اجرا شده است، بدتر کند (بوت، ۲۰۲۰: ۴). در این بین، اعمال تحریم‌های تخصصی علیه منابع درآمد اصلی کشورها می‌تواند نابرابری درآمدی و امنیت اقتصادی کشورها را افزایش دهد. اعمال این گونه تحریم‌ها همچون تحریم‌های نفتی علیه کشورهای صادرکننده آن، نه تنها بر سیاست‌های داخلی این کشورها تأثیر منفی دارد، بلکه بر روابط با کشورهای همسایه نیز تأثیر منفی دارد و احتمال بحران اقتصادی و لغو موافقت‌نامه‌های تجاری-اقتصادی به ویژه در زمینه انتقال نفت را افزایش می‌دهد (فیلیپینکو و همکاران، ۲۰۲۰: ۷۰). در واقع، اعمال این گونه تحریم‌ها می‌تواند در حوزه‌های داخلی و خارجی، امنیت اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. بالوف^۵ (۲۰۱۴) استدلال می‌کند همه تحریم‌هایی که اعمال شده‌اند را نمی‌توان در دستیابی به اهداف موفق دانست. با این حال، تحریم‌های نفتی به دلیل هزینه کمتر آن‌ها نسبت به هزینه جنگ همچنان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در چارچوب تمایز کارکردی و تصمیم‌گیری، دو مفهوم اصلی سیاست تحریم‌های اقتصادی وجود دارد: واقع‌گرایی و لیبرالیسم و دو مشتق: جهان‌وطنی (در چارچوب برداشت لیبرال) و هژمونیکسم (به عنوان مشتق از واقع‌گرایی). بر اساس اصول واقع‌گرایی، قوانین یکسانی در اقتصاد بین‌المللی وجود ندارد. به عقیده واقع‌گرایان، سیاست اقتصادی بین‌المللی اساساً در نتیجه اقدامات عقلانی دولت‌ها در مبارزه برای قدرت و ثروت شکل می‌گیرد. بازی حاصل جمع صفر در روابط بین دولت‌ها حاکم است، زمانی که پیروزی یک کشور لزوماً متضمن از

^۱Hufbauer, Schott & Elliott

^۲Cronin

^۳Frank

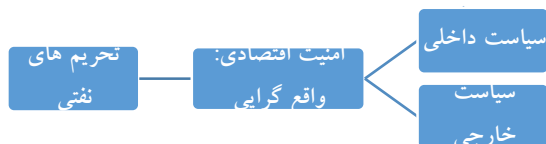
^۴Büthe

^۵Balucv

دست دادن دیگری است ناگزیر منجر به درگیری‌ها و جنگ‌های اقتصادی می‌شود. اولویت ادعای تحریم‌ها نه سازمان‌های بین‌المللی، بلکه برعهده دولت‌هاست. تحریم‌های اقتصادی وسیله‌ای برای اجبار برای رعایت قانون نیست، بلکه ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی است. تحریم‌های اقتصادی از میزان اقدامات انحرافی در جامعه بین‌المللی نمی‌کاهد، اما دولت تحریم شده را مجبور می‌کند تا آنچه را که کشور اعمال‌کننده تحریم می‌خواهد انجام دهد. گرایش لیبرال در سیاست اقتصادی بین‌المللی به طور سستی از تجارت آزاد و بازارهای آزاد بر اساس پارادایم نئوکلاسیک حمایت می‌کند. موضع کلیدی در مورد لزوم دستیابی به هماهنگی اساسی منافع بین دولت‌ها در نتیجه مبادله آزاد کالاها و خدمات بین آن‌ها، تعمیق همکاری است. سنگ بنای لیبرالیسم تمرکز بر رفتار افراد، شرکت‌ها و کشورها (نظام رسمی افقی) است. به عقیده لیبرالیست‌ها، با توجه به دریافت حداکثر سود توسط کشورها، تجارت آزاد هیچ زمینه اقتصادی برای درگیری‌ها و جنگ‌های بین‌المللی ایجاد نمی‌کند. رویکرد لیبرالی بر فرض وجود حقوق و هنجارها برای اعمال تحریم‌ها استوار است. بر اساس پارادایم لیبرال، تحریم بدون قواعد مشترک یا مقررات قانونی حاکم بر رفتار انحرافی غیرممکن است. پارادایم لیبرال بر تفاوت بین اجبار و تحریم تأکید می‌کند. تحریم یک عمل اجباری است، اما همه اعمال قهری تحریم نیستند. هنجارها و قوانین باید مقدم بر اعمال تحریم‌ها باشند، زیرا آن‌ها به عنوان قواعد سازنده‌ای عمل می‌کنند که اعمال اجبار قانونی (یعنی تحریم‌ها) را تعیین می‌کنند. پارادایم لیبرال هم پیامدهای درون‌زای تحریم‌ها برای گروه‌های ذینفع مختلف (احزاب، اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های تجاری و غیره) و هم پیامدهای اجتماعی-اقتصادی و سیاسی را هدف قرار می‌دهد (فیلیپینکو و همکاران، ۲۰۲۰: ۷۱).

با توجه به آنچه بیان گردید، در این پژوهش نظریه واقع‌گرایی به عنوان مدل مفهومی برای تبیین تأثیر تحریم‌های نفتی بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر دوره ریاست جمهوری اوباما و ترامپ در آمریکا انتخاب شد. چراکه این نظریه، تحریم‌های اقتصادی را به عنوان ابزاری در دستیابی به اهداف سیاست خارجی کشورها می‌داند که می‌تواند از طریق تأثیرات منفی بر وضعیت اقتصادی کشور تحریم شده، دولت تحریم شده را مجبور کند تا آنچه را که کشور اعمال‌کننده تحریم می‌خواهد انجام دهد. فرآیندهای جهانی شدن اقتصادی جهانی باعث فعال شدن مکانیسم‌های اقتصادی جدید در نظام روابط بین‌الملل شده و این مسئله بر سیاست و رفتار دولت‌ها و در مجموع امنیت عمومی تأثیر گذاشته است. اعمال تحریم‌های اقتصادی و بحث در مورد اثربخشی و میزان زیان آن‌ها در مرکز سیاست بین‌المللی قرار دارد. در دنیای جهانی شده امروزی و وابسته به هم با منافع اقتصادی ملی، که گاهی کاملاً متضاد هستند، اقدامات پیچیده به طور فزاینده‌ای برای تغییر استراتژی اقتصادی یا سیاسی دولت تحریم شده، مورد استفاده قرار می‌گیرد. معمولاً اعمال تحریم‌ها یک اقدام معمولی نیست، بلکه یک اقدام استثنایی در سیاست خارجی با هدف دستیابی به اهداف معینی است که می‌تواند

امنیت اقتصادی کشور تحریم شده را در حوزه های داخلی و خارجی تحت تاثیر قرار دهد (دهمی، ۲۰۱۶). از مهم ترین تأثیرات ناشی از تحریم های نفتی، تأثیرات منفی آن ها بر وضعیت توسعه، برنامه های توسعه و همچنین اسناد چشم انداز است. علاوه بر این، اعمال تحریم های نفتی برای کشور صادرکننده آن، پیامدهای منفی بسیاری را به همراه دارد که با کاهش رشد تولید ناخالص داخلی، عدم توسعه بخش تجاری و از دست دادن امنیت اقتصادی همراه است. این تحریم ها در ترکیب با سایر اقدامات (مانند اقدامات نظامی و سیاسی) می تواند تأثیر بی ثبات کننده ای بر سیستم دولتی کشور تحریم داشته باشد. تحلیل عوامل اصلی، سازوکارها و پیامدهای تحریم های نفتی بر امنیت اقتصادی، نیازمند تاملی مفهومی است. از همین رو، نیاز بود تا توجه ویژه ای به استفاده از چارچوب مفهومی واقع گرایی برای تبیین تحریم ها گردد. در این پژوهش، سعی شد تا به توسعه اصول نظری تحلیل و مطالعه جنبه های عملی مکانیسم های تحریم های نفتی با توجه به رویکرد واقع گرایی پرداخته شود.



نمودار ۱. چارچوب مفهومی پژوهش: واقع گرایی
فیلیپینکو و همکاران (۲۰۲۰)

مفاهیم پژوهش

الف: مفهوم امنیت اقتصادی و جنبه های آن

امنیت را می توان در دو مفهوم سستی و مدرن در نظر گرفت؛ در دیدگاه سستی تأکید زیادی بر قدرت نظامی است، درحالی که در دیدگاه مدرن، بر رشد اقتصادی و تجارت بین المللی و پیدایش سلاح های جدید تأکید می شود. در دیدگاه مدرن، امنیت دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره است (سلمان خاکسار، ۱۳۸۹: ۱۸-۱۶). در واقع، در عرصه مطالعات امنیتی، ابعاد جدیدی برای امنیت مطرح شد. مکتب کپنهاک، امنیت را نه در قالب رویکرد نظامی و استراتژیک، بلکه در قالب مباحث امنیت اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و انسانی طرح نمود (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۱۸۸-۱۱۷). در این بین، امنیت اقتصادی یکی از ابعاد مهم امنیت در عصر مدرن و از موضوعاتی است که به مسائل امنیت اقتصادی افراد، بنگاه ها، جامعه و دولت توجه ویژه ای دارد (براون و بومن، ۲۰۲۰: ۷۸). امنیت اقتصادی یک مسئله امنیت ملی و عاملی مهم در حوزه سیاست داخلی و خارجی است. بوزان^۲ (۱۹۹۱: ۱۹) اظهار می دارد که «امنیت اقتصادی مربوط به دسترسی به مواد اولیه، منابع مالی و

بازارهایی است که برای حمایت از سطح قابل قبول ثروت و قدرت در یک کشور مورد نیاز است». امنیت اقتصادی هر کشوری متأثر از امنیت اقتصادی همه مناطق آن است. امنیت اقتصادی یک دولت، ثبات و توسعه مترقی اقتصاد را دربرمی گیرد (گریشووا^۱ و همکاران، ۲۰۲۰؛ اوسپنسکی^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). امنیت اقتصادی، شرایط و عواملی را تعیین می‌کند که مستقیماً به توسعه کمک می‌کند. همچنین به عنوان عامل درون‌زا توسعه یک سیستم دستیابی به اهداف با استفاده بهینه از منابع و حفظ ویژگی‌های ذاتی در شرایط بی‌ثباتی و عدم اطمینان در محیط بیرونی و داخلی تلقی می‌شود (حسینوا^۳ و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۲۴). رویکردهای مختلفی در مورد معنای امنیت اقتصادی و عناصر آن وجود دارد.

ب: مفهوم تحریم و ابعاد آن

یکی از ابزارهای اقتصادی و سیاسی برای تحمیل مطالبات یک کشور یا به عبارتی تأمین منافع آن توسط کشور دیگر استفاده از تحریم است. تحریم یکی از مهم‌ترین راهبردهایی است که یک بازیگر در نظام بین‌الملل برای ایجاد محدودیت و یا قطع رابطه خود با بازیگر مقابل از آن استفاده می‌کند. برخی از تحلیل‌گران معتقدند که تحریم همان جنگی است که ابزار نظامی در آن دخالت ندارد و با استفاده از ایجاد فشار بر ابعاد تجاری و اقتصادی یک کشور، سعی می‌شود بر سیاست‌های کلان کشور تحریم شده اثر گذاشته شود (شهباز و ناصری اصل، ۱۳۹۹: ۱۰۳). با استفاده از ابزار تحریم، ممکن است یک کشور بزرگ و بانفوذ سیاسی و اقتصادی بتواند با اعمال محدودیت بر آن کشور کوچک‌تر و کم‌نفوذ، هزینه‌های اقتصادی و سیاسی را بر یک کشور کوچک‌تر تحمیل کند. این امر در صورتی تشدید می‌شود که دیگر بازیگران بزرگ دنیای سیاست و اقتصاد با کشور تحریم کننده همکاری کنند (عزتی و سلمانی، ۱۳۹۳: ۱۷۶). وضعیتی که می‌توان برای تحریم‌های اعمال شده بر اقتصاد ایران انتظار داشت. تحریم‌ها ابزار سیاسی و غیرنظامی برای تحمیل اقتدار، مجازات و تهدید کشورها به تغییر رفتار سیاسی خود هستند (لوپز و کورتایت^۴، ۱۹۹۵: ۶۵). علی‌رغم تحریم‌های سیاسی، نظامی، علمی، فرهنگی و مسافرتی، تحریم‌های اقتصادی به‌ویژه علیه مهم‌ترین مؤلفه اقتصادی یک کشور همچون نفت و گاز؛ قوی‌ترین، عملی‌ترین و مؤثرترین تحریم‌های قابل اجرا هستند. تحریم‌های اقتصادی به دو نوع تحریم تجاری (صادرات و واردات) و تحریم‌های مالی تقسیم می‌شوند (نخلی و همکاران، ۲۰۲۱: ۳). تحریم تجاری معمولاً گزینشی است و یک یا چند کالا را دربرمی گیرد، اما تحریم مالی شامل قطع کمک‌های رسمی است و در شدیدترین مرحله، به مسدود نمودن دارایی‌های دولت هدف و منابع درآمدی منجر می‌گردد؛ در نتیجه، تحریم مالی به‌ویژه در موارد

^۱Gryshova

^۲Uspenskiy

^۳Husainova

^۴Lopez and Cortright

تأمین مالی طرح‌های بنیادی توسعه همچون برنامه‌های توسعه، شرایط دشوارتر و هزینه‌های بیشتری را بر کشور هدف تحمیل می‌نماید (ساعی، کاظمی، طاهری و مطلبی، ۱۳۹۷: ۱۵۴).

تاریخچه تحریم‌های نفتی علیه ایران: با تأکید بر دوره اوپاما و ترامپ

ایران از دهه ۱۹۷۰ همواره زیر سایه تحریم‌های اقتصادی آمریکا بوده است (رایت^۱، ۲۰۱۰: ۵۴) که به رشد اقتصادی آن آسیب جدی وارد کرده است (هو، هی و کوی^۲، ۲۰۲۱: ۴). تحریم‌های نفتی اولین نوع تحریم‌های اعمال شده علیه ایران بود. در سال ۱۹۵۳، انگلیس صادرات نفت ایران را به دلیل تلاش برای ملی کردن صنعت نفت تحریم کرد (اسپلر^۳، ۲۰۰۳: ۴۲)، اما گسترده‌ترین تحریم‌ها علیه ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ و تغییر رویکردهای سیاسی دولت به‌ویژه در رابطه با آمریکا اعمال شد (تربت^۴، ۲۰۰۵: ۴۱۲). پس از بحران گروگان‌گیری سفارت آمریکا در تهران در سال ۱۹۸۰، تحریم‌های جامع تجاری و نفتی علیه ایران اعمال شد. رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۱۹۸۷ واردات مستقیم نفت از ایران را در قالب فرمان اجرایی ۱۲۶۱۳ ممنوع کرد و همه شرکت‌های آمریکایی را از تجارت نفت ایران در داخل و خارج از آمریکا در قالب فرمان اجرایی ۱۲۹۵۹ در سال ۱۹۹۵ محروم کرد (کلیتون^۵، ۱۹۹۷: ۱۵). پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا فرصت بسیار خوبی برای هماهنگ کردن سایر کشورها با سیاست‌های خود پیدا نمود، و رویکرد جدیدی را برای مقابله با ایران در نظر گرفت، جایی که تحریم‌های نفتی به‌طور قانونی علیه ایران اعمال شد. همکاری قوه مجریه و کنگره آمریکا و شروع اولین تحریم‌های فرا سرزمینی علیه ایران بود که مجازات‌های آمریکا را علیه شرکت‌های کشور ثالث مجاز کرد (کاتزمن^۶، ۲۰۱۹: ۷۱).

اولین تحریم نفتی آمریکا علیه ایران، تصویب قانون تحریم‌های ایران و لیبی (ایلسا) بود که در آگوست ۱۹۹۶ امضا شد که پس از خروج لیبی از تحریم‌ها در سال ۲۰۰۶، قانون تحریم ایران نام گرفت. این تحریم به‌منظور محدود کردن سرمایه‌گذاری شرکت‌های نفتی (و در نتیجه فناوری مربوطه) در صنعت نفت و گاز ایران تا سقف ۲۰ میلیون دلار در سال اجرا شد که تا حدودی از حمایت کشورهای اروپایی و شرکت‌های بین‌المللی برخوردار بود (کاتزمن، ۲۰۰۹: ۶۱). دومین مانور آمریکا در مورد نفت، که برای محدود کردن بیشتر سرمایه‌گذاری (و در نتیجه فناوری) در صنعت نفت و گاز اعمال شد، لایحه جامع تحریم‌ها، پاسخگویی و عدم سرمایه‌گذاری ایران در سال ۲۰۱۰ بود (اسفندیاری و فیتزپاتریک، ۲۰۱۱: ۱۴۸). براساس این لایحه، تعریف سرمایه‌گذاری در بخش نفت، شامل قراردادهای ساخت، ارتقا، توسعه و خرید تجهیزات در صنعت نفت و گاز،

^۱Wright
^۲Hu, He & Cui
^۳Speller
^۴Clinton
^۵Katzman

صنعت گاز طبیعی مایع، صنعت پالایش و تولید فرآورده‌های نفتی می‌شد. همچنین با توجه به وابستگی بازار انرژی ایران به بنزین وارداتی، فروش بنزین و تجهیزات و خدمات پالایشگاهی تحریم شد به‌طوری‌که بنزین وارداتی از ۱۲۰ هزار بشکه به حدود ۳۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت (کاترمن، ۲۰۱۶: ۲۰).

سومین تحریم نفتی آمریکا با هدف کاهش صادرات نفت و جلوگیری از دستیابی ایران به درآمدهای ارزی حاصل از آن تحت بند ۱۲۴۵ قانون مجوز دفاع ملی سال مالی ۲۰۱۲ در دسامبر ۲۰۱۱ طراحی شد. بر اساس این قانون، از کلیه تراکنش‌های مالی مهم (به استثنای موارد مربوط به موارد بشردوستانه) و کلیه معاملات نفتی از طریق بانک‌های خارجی یا بانک‌های مرکزی با بانک مرکزی ایران و سایر بانک‌های ایرانی تحریم شده جلوگیری شد (سینگ^۱، ۲۰۱۲: ۵۶). از سال ۲۰۱۱، تحریم‌های اقتصادی شدیدی از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا و سایر کشورها بر اقتصاد ایران اعمال شد تا دولت ایران را از ادامه توسعه برنامه تسلیحات هسته‌ای خود منع کند (فرهیدی و مدنی، ۲۰۱۵: ۶۱۹). تحریم‌هایی که به‌طور مداوم به‌روز می‌شدند، صادرات نفت ایران را هدف قرار دادند که منبع درآمد قابل توجهی برای دولت‌های ایران است (هو و همکاران، ۲۰۲۱: ۵). آمریکا برای کاهش واردات نفت از ایران از مکانیزم سهمیه‌بندی برای خریداران استفاده کرد تا از ضرر شرکای خود به دلیل افزایش قیمت جهانی نفت جلوگیری کرد. واردکنندگان نفت ایران موظف شدند هر ۱۸۰ روز یک‌بار واردات نفت از ایران را به میزان قابل توجهی کاهش دهند تا از تحریم‌ها معاف شوند (بولینو^۲ و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۱). در همین راستا، بر اساس فرمان اجرایی ۱۳۶۲۲ در ژوئیه ۲۰۱۲، آمریکا بانک‌هایی را که نفت خام، فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی از ایران خریداری می‌کردند و با شرکت ملی نفت ایران و شرکت نفتیران ایتترتريد^۳ خریداری می‌کردند، تحریم کرد (فیدلر^۴، ۲۰۱۳: ۳۱).

چهارمین فعالیت آمریکا در زمینه تحریم نفت با تصویب قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه در سپتامبر ۲۰۱۲ و فرمان اجرایی ۱۳۵۹۰ برای تشدید جریان مالی و فناوری برای صنعت نفت و گاز ایران، بیمه محموله‌های نفتی انجام شد (اوباما^۵، ۲۰۱۱: ۲۲۶). بر اساس این مصوبات، فروش تجهیزات و خدمات توسعه، نگهداری و ارتقای صنایع نفت و گاز، پالایشگاه و پتروشیمی ایران به‌طور کامل محدود شد، انتقال نفت ایران با نفت‌کش‌ها (با در نظر گرفتن موارد استثنا)، تأمین بیمه شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی نفت‌کش ایران ممنوع شد (دوبوویتز^۶، ۲۰۱۵: ۱۲). همچنین مقرر شد هرگونه وجوه معامله پذیرفته شده مبنی بر صادرات نفت

^۱Singh
^۲Bollino
^۳Naftiran Intertrade
^۴Fiedler
^۵Obama
^۶Dubowitz

در حساسی به نام حساب‌های امانی (محدود) در بانک‌های خارجی خریدار نفت ایران نگهداری شود و صرفاً برای خرید کالاهای بشردوستانه استفاده شود.

پس از اعمال دور جدید تحریم‌ها در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷، آمریکا خروج خود از برنامه جامع اقدام مشترک را اعلام کرد و صادرات نفت ایران را در سال ۲۰۱۸ با هدف منع توسعه سلاح‌های هسته‌ای ایران ممنوع کرد (ورنر، کامپوریدی: و ریزگلیت، ۲۰۱۹: ۶۵). این امر باعث شد که سایر کشورهای خلیج فارس که بیشترین ظرفیت تولید مازاد نفت را در اختیار دارند (سلمی، بوئیور و مفتاح، ۲۰۲۰: ۱۹)، برای رفع شکاف موجود در عرضه جهانی نفت، تولید و صادرات خود را افزایش دهند (بولینو و همکاران، ۲۰۱۹: ۵۶). تحریم‌های اقتصادی اولیه و به‌ویژه تحریم‌های نفتی می‌تواند عرضه انرژی از ایران و سایر کشورهای خلیج فارس را به شدت کاهش دهند و باعث نوسانات جدی در عرضه و قیمت نفت در بازارهای جهانی انرژی شوند (باربر، ۲۰۲۰: ۱۹۳). به‌ویژه که ایران یکی از تأمین‌کنندگان کلیدی نفت جهان به‌ویژه برای کشور قدرتمندی همچون چین (هو و همکاران، ۲۰۲۱: ۶) بوده و نقش مهمی در تضمین امنیت انرژی منطقه و جهان ایفا می‌کند.

نسبت دیپلماسی انرژی و اقتصاد ملی در جمهوری اسلامی ایران

سیاست خارجی از ادبیات توسعه اقتصادی جدا نیست. چراکه توسعه اقتصادی در تعیین جایگاه کشورها در نظام بین‌المللی تأثیرگذار شناخته می‌شود، و در راستا به واسطه افزودن بر جایگاه بین‌المللی، به رفتار خارجی کشور اعتبار بیشتری می‌بخشد. سیاست خارجی فراهم‌کننده عرصه‌ای برای پویایی بیشتر اقتصادی بوده و پیوند بین توسعه و سیاست خارجی را متقابل می‌سازد؛ و این رابطه بیان‌کننده اهمیت رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی کشورهاست. از این حیث، سیاست نفتی ایران و توسعه ملی کشور بصورت متقابل با یکدیگر تعامل و پیوند عمیقی دارند. سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران نیز جهت‌گیری کلان کشور در دو دهه آینده را در مسیر توسعه برون‌گرا و مبتنی بر تعامل سازنده با جهان تعیین کرده است که به معنای مشارکت و تعامل ایران در امور جهانی با انگیزه استفاده از امکانات خارجی برای توسعه، رفع موانع و تهدیدات بین‌المللی است. در اینجا انرژی و امنیت تأمین آن به یکی از مهم‌ترین گزینه‌های پیوند ایران با قدرت‌های بزرگ و کشورهای در حال توسعه تبدیل شده و کمک موثری به تحقق استلزامات سند چشم‌انداز و توسعه کشور کرده است. از اهداف اصلی سند چشم‌انداز در بخش انرژی، تبدیل ایران به دومین تولیدکننده نفت در اوپک با ظرفیت تولید ۷ درصد از تقاضای بازار جهانی، سومین تولیدکننده گاز در جهان با سهم ۸ تا ۱۰ درصد از تجارت جهانی گاز و فرآورده‌های گازی، دارای جایگاه اول فناوری نفت و گاز در سطح منطقه، و اولین تولیدکننده مواد

کالای پتروشیمی در منطقه از لحاظ ارزش باشد. بی شک این اهداف تحقق نخواهد یافت، مگر اینکه سرمایه‌گذاری‌های لازم در این زمینه بویژه از طریق سرمایه‌گذاری خارجی تامین شود (واعظی، ۱۴۰۱: ۶). به این ترتیب، نیاز به سرمایه‌گذاری برای حفظ تولید و نیز برای افزایش تولید، برای رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است.

از آنجا که جمهوری اسلامی ایران (براساس اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله) یکی از مهم‌ترین اهداف خود را توسعه اقتصادی قرار داده است و از سوی دیگر به عنوان کشوری که در زمینه انرژی غنی است و از موقعیت منحصر به فردی برخوردار است؛ به نیازمند در پیش گرفتن روش‌ها و سیاست‌هایی در دو زمینه داخلی و خارجی برای رسیدن به سطح مطلوبی از رشد و توسعه است. با توجه به اینکه جدایی سیاست داخلی (اعم از اقتصادی و سیاسی) و سیاست خارجی امکان‌پذیر نیست و توسعه ملی در بستر خارجی و بین‌المللی ویژه‌ای بارور می‌شود که سیاست خارجی کشور مشوق آن خواهد بود، در عصر جهانی شدن و وابستگی متقابل همه جانبه، تدوین راهبرد توسعه ملی در بستر سازی تحقق این امر انعکاس می‌یابد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۱۱۸). این امر روشن می‌سازد که جمهوری اسلامی ایران، تنها در پرتو یک خط مشی سنجیده توسعه می‌تواند از نتایج مطلوب سرمایه‌گذاری و مشارکت خارجی بهره‌گیرد. یکی از وجوه ارتباط دیپلماسی انرژی با اقتصاد ملی، نگاه به آن به عنوان پایه‌ای برای بازرگانی و روابط دیپلماتیک است، که وابستگی متقابل را به عنوان ابزاری برای پیدا کردن راه حل‌های مشترک برای مسائل جهانی در نظر می‌گیرد. در این رابطه، انرژی به عنوان مهم‌ترین مزیت نسبی برای جمهوری اسلامی و مشارکت در تامین امنیت انرژی در سطح بین‌المللی در جایگاه قانونی‌ترین نقطه اتصال ایران با جهان برای تحقق برنامه توسعه برون‌گرایانه تلقی می‌شود.

نفت فرصتی برای کشور است تا به خیزش اقتصادی برای توسعه دست یابد. این روند در ادامه فعالیت و تلاش تمامی کشورها به یافتن فضایی برای ارتقا جایگاه اقتصادی خود است، که بطور عمومی سیاست خارجی خود را بر مبنای بهره‌گیری از دستاوردهای اقتصاد جهانی قرار می‌دهند؛ و معرف انگاره‌ای عمومی است که براساس آن در هر حوزه اقتصادی که در آن امکانات و استعدادها بالقوه وجود دارد، نیاز به حرکتی سنجیده همراستا با قابلیت‌های آن منابع در سیاست خارجی احساس می‌شود. بنابراین در حالی که تولید، ظرفیت تولید و ظرفیت مازاد تولید از یکسو و سهم و میزان صادرات و درآمدهای ارزی ناشی از نفت و گاز، از اصلی‌ترین عوامل قدرت اقتصادی و سیاسی ایران محسوب می‌شوند، با توجه به ابعاد انرژی در حوزه پیوند سیاست خارجی با اقتصاد ملی از برجستگی دیپلماسی انرژی برای بسترسازی، ایجاد و قوام رشد و توسعه اقتصادی حکایت دارد.

عرصه عمل در سیاست خارجی نتیجه را مفید به برآیند فعالیت تمامی طرف‌ها می‌سازد، بخش انرژی ابزاری در خدمت دستگاه دیپلماسی برای طرح پیشنهادها و نو به شرکای خارجی محسوب می‌شود. به این

ترتیب با توجه به اینکه امنیت انرژی به یک نسبت به خاطر تلاش گسترده کشورها برای رشد و توسعه اقتصادی، در دستور کار تمامی کشورها قرار دارد، تدارک آن را در وضعیت مقید نسبت به امنیت اقتصادی در کشور قرار می‌دهد و اطمینان از دریافت بیشتر منابع انرژی در مقابل ترجیحی قرار دادن کالاهای ساخت ایران به واسطه کاهش تعرفه‌ها در زمینه همکاری‌های منطقه‌ای و دیگر بخش‌های اقتصاد ملی ایران به مثابه مشوقی متقابل ظاهر می‌شود. در واقع، با پیوند دیپلماسی انرژی و بهبود فضای اقتصاد سیاسی ملی، که تأکیدی دوباره بر رویکرد تعامل سازنده در خط مشی خارجی کشورهاست، ضرورت جهت‌گیری سیاست خارجی همسو با الگوی جدید توسعه اقتصادی مطرح می‌شود. بنابراین، علاوه بر وجود رابطه دیپلماسی انرژی با منافع ملی، امنیت ملی و اقتصاد ملی، به اعتقاد نگارندگان، در مجموع بیانگر جنبه‌هایی از ضرورت دیپلماسی انرژی می‌باشند.

تأثیر تحریم‌های نفتی علیه امنیت اقتصادی ایران

نفت و تامین انرژی به عنوان مهم‌ترین تنظیم‌کننده تراز تجاری ایران، همواره نقشی بی‌بدیلی در تحولات تاریخ معاصر کشور ایفا نموده است، از همین رو می‌توان گفت که از منظر مقامات و روسای جمهوری آمریکا، تحریم‌های نفتی یکی از مهم‌ترین گزینه‌های مؤثر تحریمی در راستای دستیابی به اهداف خود است. مسئله‌ای که می‌تواند بر سیاست داخلی و خارجی، امنیت ملی و امنیت اقتصادی تأثیرگذار باشد. در این راستا، در ادامه تلاش می‌شود تا تأثیر تحریم‌های نفتی علیه امنیت اقتصادی ایران در دو بخش مجزا بررسی شود:

الف: تأثیر تحریم‌های نفتی بر مناسبات اقتصادی ایران

پرونده تحریم‌های ایران و آمریکا برای بررسی تأثیر اقتصادی تحریم‌های نفتی بر اقتصاد و به ویژه امنیت اقتصادی ایران نیاز بود. ایران کشوری است که برای ایالات متحده از اهمیت راهبردی بالایی برخوردار است. چراکه، این کشور یکی از بزرگترین کشورهای تولیدکننده نفت در جهان است که می‌تواند به طور مستقیم بر پویایی قیمت جهانی انرژی تأثیر بگذارد و فضای سیاسی منطقه را شکل می‌دهد. ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خود قادر به کنترل تنگه هرمز در خلیج فارس و تحت شرایط خاص مسدود کردن کلیه ارتباطات نفتکش از این منطقه که تقریباً یک چهارم تولید نفت جهان را تامین می‌کند، می‌باشد. این مسئله می‌تواند بحران جهانی انرژی را به همراه داشته باشد. در این زمینه، روابط ایران و آمریکا یک امر سیاسی و اقتصادی است که تا حد زیادی جایگاه آمریکا را در عرصه بین‌المللی تعیین می‌کند و بر دستور کار سیاسی داخلی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (فیلیپینکو و همکاران، ۲۰۲۰: ۷۶). سیاست تحریم علیه نفت ایران، در عرصه سیاست جهانی موقعیتی همچون جنگ دوم خلیج فارس را برای ایران ایجاد نمود که در مواضع خود تنها نماند و این سیاست بیش از آنکه ایران را زیر فشار قرار دهد، برای کشور تحریم‌کننده مشکل ایجاد نمود. هزینه عمده تحریم‌های نفتی را می‌توان

کاهش قدرت چانه زنی در قراردادهای نفتی و تحت فشار بودن ایران در معاملات نفتی با شرکای تجاری از جمله اعطای امتیازاتی در دریافت بهای نفت فروخته شده مشاهده نمود. افزایش هزینه‌های مبادله و تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری افزایش هزینه مبادله ناشی از تحریم‌ها، کاهش امنیت سرمایه‌گذاری و خروج شرکت‌های بین‌المللی با کیفیت فنی و فناورانه بالا از پروژه‌های نفت و گاز نیز از دیگر تبعات تحریم‌ها محسوب می‌گردد. با این حال، تأثیرات تحریم‌های نفتی در دوره اوباما و ترامپ متفاوت بوده است.

اوباما برای دستیابی به منافع آمریکا، او سیاست خارجی معتدل و انعطاف‌پذیری را دنبال کرد که مبتنی بر گفتگو و همکاری است. او می‌دید که منافع آمریکا مستلزم کار بر روی ایده تغییر بینش جهانی آمریکا از کشوری است که طرفدار مداخلات نظامی است به دولتی که از قدرت نرم و ابزارهای دیپلماتیک برای بازگرداندن متحدان و مقابله با دشمنان استفاده می‌کند. اوباما تلاش کرد تا شکاف‌های ایجاد شده ناشی از سیاست درگیری با دشمنان را که توسط روسیه و چین علیه منافع ملی آمریکا مورد سوء استفاده قرار گرفته است، ببندد (براند، ۲۰۱۸: ۱۶۲-۱۶۱). در نتیجه، سیاست خارجی نظامی کنار گذاشته شد و کانال‌های گفتگو و مذاکره با کشورهایی همچون ایران باز شد و شرایط مذاکره بر سر پرونده هسته‌ای ایران باز شد (خلف^۲، ۲۰۲۰: ۵).

علی‌رغم فشارهای داخلی، اوباما بر اتخاذ یک استراتژی جدید در قبال ایران برای دستیابی به منافع آمریکا اصرار داشت و بر رهایی از خطر هسته‌ای ایران، جلوگیری از داشتن بمب هسته‌ای توسط ایران یا راه‌اندازی جنگ دیگری در آسیای غربی تأکید داشت (کاترمن، ۲۰۱۹: ۱۹). علاوه بر این، اوباما شروع به بحث در مورد منافع متقابل اقتصادی و راهبردی بین دو کشور کرد. این مذاکرات منجر به امضای توافق هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۵ بین گروه ۵ + ۱ (آمریکا، انگلیس، فرانسه، چین، روسیه و آلمان) با ایران شد. اوباما، تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی آمریکا و غرب را که از سال ۲۰۰۶ علیه ایران اعمال شده بود، در ازای وعده ایران مبنی بر برچیدن برنامه هسته‌ای خود و جلوگیری از توسعه قابلیت‌های نظامی هسته‌ای لغو کرد. تحریم‌های طرف ایرانی پس از اجرایی شدن توافق در سال ۲۰۱۶، به‌ویژه تحریم‌های مالی و اقتصادی برداشته شد و صدها میلیارد وجوه مسدود شده ایران در خارج از کشور در نتیجه تحریم‌های اقتصادی آزاد شد (زویری و سلیمان^۳، ۲۰۱۸: ۱۴).

روند سیاست خارجی آمریکا با روی کار آمدن دونالد ترامپ، بسیار متفاوت تر از دوره اوباما بود. ترامپ از اصل دستیابی به منافع آمریکا بر اساس چشم‌انداز اول آمریکا حمایت کرد. سپس رویکرد انزواطلبی و عدم وابستگی آمریکا به سایر کشورها را در پیش گرفت (خلف، ۲۰۲۰: ۴). با توجه به سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، ترامپ پس از پیروزی در انتخابات، حمله به ایران را آغاز کرد و ایران را متهم کرد که همواره با تأمین

پول و تسلیحات از تروریسم حمایت می کند و اقدام به توسعه سامانه موشکی دوربرد می کند (کاترمن، ۲۰۱۹: ۲۱). ترامپ پس از اولین سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل، به طور رسمی خروج از توافق هسته ای ایران را اعلام کرد و به دنبال آن مجموعه جدیدی از تحریم های اقتصادی علیه ایران اعلام شد که هر ۹۰ روز یک بار تمدید می شد. وی شروع به اعمال تحریم های اقتصادی دیگری علیه طرف ایرانی کرد. تحریم های اقتصادی ابتدا بخش های اقتصادی غیرنفتی و تجارت ارز را هدف قرار داد و پس از آن بسته دوم تحریم ها بنادر ایران، بخش انرژی ایران و همچنین شرکت های خریدار نفت ایران را هدف قرار داد (بداوی^۱، ۲۰۱۸: ۲). این امر منجر به بازگشت ایران به تقویت قابلیت های هسته ای خود، افزایش آسیب پذیری سیاسی و اقتصادی در برابر اقدام نظامی آمریکا با کمک به عربستان و اسرائیل و مخالفت با اروپا و روسیه شد (بلک ویل^۲، ۲۰۱۸: ۴۰-۴۱). تحریم های عمومی آمریکا و اتحادیه اروپا به شدت جریان های تجاری بین شریک های تجاری را تقریباً در همه بخش ها، مختل کرد. علاوه بر این، تأثیر تحریم های هوشمند که نهادها و اشخاص حقیقی ایرانی را هدف قرار می دهد بسیار کمتر از تأثیر تحریم های عمومی بر ارزش کل تجارت و ارزش تجاری بسیاری از بخش ها است. بنابراین تحریم های نفتی در حوزه سیاست خارجی، افراد و نهادهای خاص را به جای کل اقتصاد هدف قرار داد (قدسی و کرملیکلی، ۲۰۲۲: ۳۴). در واقع، در حالی که در دوره ترامپ شاهد روابط مناسب ایران و همکاری های بین المللی با آمریکا در جهت مقابله با ایران می باشیم، اما در دوره ترامپ با توجه به اتخاذ سیاست یکجانبه گرایی، همراهی سایر کشورها و متحدان غربی در تحریم ایران را کمتر می توان مشاهده نمود. در هر دوره در عین تفاوت، امنیت اقتصادی ایران در حوزه تعاملات خارجی تحت تأثیر تحریم های نفتی قرار گرفت. تحریم های نفتی نه تنها نوع روابط با کشورهای واردکننده نفت را متأثر ساخت، بلکه ثبات حاکمیت در منطقه خلیج فارس و تداوم یک رشد باثبات در کشورهای این منطقه را برای ثبات اقتصادی کشورهای اروپایی و تضمین امنیت انرژی این منطقه را مختل نمود (افتخاری و خورشیدی اطهر، ۱۴۰۰: ۲۲). چراکه به هر میزان دسترسی به منابع بیشتر باشد و به نحو بهینه از آن استفاده نمود، امنیت اقتصادی بیشتر تامین می گردد.

همچنین با توجه به این که سهم عمده ای از تولیدات داخلی از مواد اولیه وارداتی تامین می شود، اما افزایش قیمت مواد اولیه در اثر تحریم ها و نبود سرمایه مورد نیاز برای تامین این مواد اولیه، در دستیابی به فناوری ها محدودیت هایی را شکل داده است. در واقع، با تحریم های نفتی اعمال شده، بانک ها و شرکت های خارجی که وظیفه انتقال درآمدهای نفتی را داشتند، نگران بودند تحت تأثیر تحریم ها قرار گیرند و از همین رو، از انجام هرگونه معاملات خارجی مربوط به بخش نفت و انرژی خودداری کردند. همچنین به علت تحریم ها، انجام مبادلات ارزی

برای جمهوری اسلامی ایران بسیار سخت گردید (چودهری و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۴). همچنین تحریم‌های حوزه نفت، مانع دسترسی ایران به سیستم پرداخت بین‌المللی گردید و توانایی واردات را محدود نمود. علاوه بر این، به دلیل کاهش درآمدهای نفتی و وابستگی درآمد دولت به درآمدهای نفتی، تحریم‌ها باعث ایجاد چالش در واردات کالاها و محصولات و خدمات پزشکی گردید (حسین و همکاران، ۲۰۲۰: ۳).

ب: تاثیر تحریم‌های نفتی بر وضعیت اقتصاد ایران

برخی از تحریم‌های اقتصادی به‌صراحت با هدف تحمیل هزینه‌های سیاسی (برای به چالش کشیدن رژیم‌های هدفمند) هستند. مطالعات کمی نشان می‌دهد که تحریم‌ها رژیم‌های هدف را بی‌ثبات می‌کند، احتمال تغییر رهبری را افزایش می‌دهد، و «فعالیت ضد دولتی» سیاسی را به دلیل «مشکلات اقتصادی» مرتبط با تحریم‌ها تشدید می‌کند (آلن، ۲۰۰۸: ۹۱۶؛ اوزدمار و شاهین، ۲۰۲۱: ۱۶۵۳). تأثیر جبران ناپذیر کاهش صادرات نفتی بر تولید ناخالص ملی کشور و کاهش سرمایه‌گذاری داخلی، ایجاد تراز منفی تجارت، کاهش سهم سرانه مصرف، عدم جذب و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه نفت از یک سو و تأثیرات مهم در تأمین نیازهای اساسی و کیفیت زندگی مردم از سوی دیگر سبب شده تا تحریم کنندگان با این حربه‌ها (فشارهای اقتصادی متعاقب تحریم‌ها) سعی در تغییر رفتار سیاسی دولت ایران و همکاری با جامعه جهانی برای بر طرف کردن ابهامات مطروحه درباره برنامه احتمالی هسته ای نظامی برآیند (فرزادگان، محمدی خبازان و صادقی، ۲۰۱۵: ۳). چراکه امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و حتی از دیدگاهی فزاینده، امنیت و ثبات سیاسی کشور تحت تأثیر درآمدهای نفتی است (مصلی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۷۷). با این حال، تأثیرات تحریم‌های نفتی در دوره‌های زمانی مختلف، متفاوت بوده است.

اثر تحریم‌های دولت اوپاما در همان سال‌های ابتدایی کاملاً مشهود بود. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۳ تولید ناخالص داخلی ایران ۵٫۸ درصد کاهش یافت که با در نظر گرفتن نرخ رشد جمعیت، این به معنای کاهش ۷ درصدی درآمد سرانه ایرانیان در یک سال بوده است (فرزادگان و همکاران، ۲۰۱۵: ۴). در ادامه اثرات مخرب تحریم‌های نفتی در فرآیند زمانی بیش از پیش آشکار شد (شهباز و نادری اصل، ۱۳۹۹: ۹۹). بنابراین تحریم‌های نفتی علاوه بر تأثیرات مهم در افزایش هزینه‌ها در ساختار نظام بودجه، افزایش نرخ تورم، کاهش قدرت خرید در تأمین نیازهای اساسی، موجبات تهدید امنیت کشور را نیز فراهم می‌آورد؛ چراکه به باور اندیشمندان مطالعات امنیت، فضای امنیتی هر کشور مرهون عوامل مختلف از جمله مسأله اقتصاد است که در ذیل مبحثی با عنوان امنیت اقتصادی به عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه یافتگی مدنظر تحلیلگران راهبردی است (تقدسی نژاد و سیف، ۱۳۹۳: ۴). تحریم‌های نفتی اعمال شده به طور غیرمستقیم، مواد غذایی و محصولات پزشکی خاص و سایر اقلام مورد نیاز

برای مبارزه با بیماری کرونا را تحت تاثیر قرار داد (طالعی حور و مبینی، ۱۴۰۱: ۱۱۵)

تحریم‌های اعمال‌شده در حوزه نفت و گاز در قالب قوانین و دستورات اجرایی از یک‌سو بر صادرات نفت ایران تأثیر گذاشت و خرید نفت خام ایران از ۲,۵ میلیون بشکه در روز به ۱,۰۶ میلیون بشکه در روز پیش از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) کاهش یافت، اما پس از خروج آمریکا از برجام و اعمال مجدد تحریم‌های قبلی و تعیین مجدد استثنائات نفتی در قالب فرمان اجرایی ۱۳۸۴۶ در آگوست ۲۰۱۸، صادرات نفت ایران به ۱,۶ میلیون بشکه در روز کاهش یافت (کر^۱ و کاتزمن، ۲۰۱۸: ۲۰). این مقدار در آوریل ۲۰۱۹ به دلیل خاتمه استثنائات اعمال سیاست فشار حداکثری علیه ایران به ۰,۳۳ بشکه در روز کاهش یافت، و بازار جهانی نفت به‌خوبی توسط سایر صادرکنندگان بزرگ نفت به‌ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی تأمین شد (کاتزمن، ۲۰۱۹: ۷۲). این تحریم‌ها منجر به خروج حدود ۶۰ میلیارد دلار از صنعت نفت و گاز ایران و کاهش چشمگیر سرمایه‌گذاری و فناوری در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ شد، درحالی‌که ایران به ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جدید بر اساس برنامه پنجم توسعه و ۵۰۰ میلیارد دلار بر اساس سند چشم‌انداز نیاز داشت (نخلی و همکاران، ۲۰۲۱: ۳). تحریم‌های نفتی در کنار تحریم‌های دیگر مانند تحریم‌های مالی بین‌المللی و تحریم‌های تجاری، فشار قابل توجهی را بر اقتصاد ایران تحمیل کرده است. این تحریم‌ها تولید ناخالص داخلی واقعی را حدود ۷,۶ درصد کاهش، شاخص قیمت مصرف‌کننده را حدود ۷۵,۹ درصد افزایش و ارزش پول ملی را حدود ۲۰۰ درصد طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۳ کاهش داد.

طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۵، تولید و صادرات نفت از ۳,۸ و ۲,۴ میلیون بشکه در روز به ترتیب به ۲,۳-۲,۷ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. در سال ۲۰۱۳، یک سال پس از اعمال تحریم نفتی اتحادیه اروپا، حجم درآمد‌های نفتی تقریباً ۵۰ درصد کمتر از سال ۲۰۱۱ بود. در سال ۲۰۱۵، این کاهش عمیق‌تر شد و به ۷۰ درصد رسید. این کاهش قابل توجه باعث کسری بودجه ایران شد که به‌شدت به ورود دلارهای نفتی وابسته بود. در این شرایط، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۲ با تورم رسمی ۲۶ درصد و نرخ رشد سالانه قیمت مصرف‌کننده بالای ۳۲ درصد، ۷,۴- درصد برآورد شد و در سال ۲۰۱۳ به ۴۰ درصد رسید (کوژانوف^۲، ۲۰۲۲: ۱۲۱). یکی از خطرناک‌ترین موقعیت‌ها در اوایل مهرماه ۱۳۹۱ رخ داد، زمانی که سقوط دیگر نرخ ریال نه‌تنها منجر به کسری اسکناس دلار در ایران شد، بلکه بازار بزرگ تهران را نیز تعطیل کرد (گاردین^۳، ۲۰۱۲: الف).

کاهش ارزش پول ملی، کمبود دلارهای نفتی و مشکلات واردات برخی از کالاهای مصرفی، رشد قیمت‌ها را در

ایران تقویت کرد و حتی در برخی از بازارهای کالایی بحران ایجاد کرد (گاردین، ۲۰۱۲: ب). شاخص‌های اجتماعی نیز گرایش‌های منفی را نشان دادند. بر اساس منابع مختلف، در سال ۲۰۱۳، حدود ۶۰ درصد از جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کردند. شکاف ثروت بسیار زیاد بود و مدام در حال افزایش بود. درآمد سه دهک ثروتمند جمعیت ۱۵ تا ۱۶ برابر بیشتر از سه دهک فقیر بود. در سال ۲۰۱۲، نرخ رسمی بیکاری به ۱۲٫۲ درصد (بیش از ۱۹ درصد در محاسبات غیررسمی) رسید. خاتمه پروژه‌های صنعتی که نیازمند فناوری‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و تجهیزات خارجی هستند، تنها رشد این شاخص را سرعت بخشید (اقتصاد تجارت، ۲۰۱۹).^۱ با این وجود، اگرچه تحریم‌ها آزمونی جدی برای ایران بود و به اقتصاد کشور آسیب زد، اما منجر به فروپاشی آن نگردید. در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۳، یک‌روند به سمت ثبات اقتصادی در کشور پدیدار شد. در سال ۲۰۱۳، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی همچنان منفی ۰٫۲- درصد بود. در سال ۲۰۱۴، اقتصاد رشد مثبت (۴٫۶ درصد) را نشان داد. پس از سال ۲۰۱۴، تورم نیز کاهش یافت و در سال ۲۰۱۶ به زیر ۱۰ درصد رسید. همچنین وابستگی بودجه دولتی به درآمدهای نفتی نیز کاهش یافت (تریبون مالی، ۲۰۱۷).^۲ تحمیل مجدد تحریم‌ها در دوره ترامپ، شروع به آسیب رساندن به اقتصاد ایران کرد، زیرا شرکت‌های اصلی به جای اینکه در معرض خطر جریمه شدن توسط آمریکا قرار گیرند، شروع به خروج از اقتصاد ایران کردند و کاهش شدیدی در صادرات نفت ایران مشاهده شد. ارزش پول ایران رو به افول نهاد و ناآرامی‌های اقتصادی تداوم یافت (خان و زمان، ۲۰۱۸: ۷۴). به طور کلی در نتیجه کاهش درآمدهای نفتی، تحریم‌های بانکی اعمال گردید، ممنوعیت تجارت در نظر گرفته شد، در منابع مالی و افزایش هزینه‌های دولت محدودیت ایجاد شد و بر بخش سلامت تأثیرگذار گردید (طالعی حور و مبینی، ۱۴۰۱: ۱۱۵)، و اثربخشی اقدامات ایران در حوزه سیاست داخلی را با چالش مواجه ساخت.

روش‌شناسی پژوهش

از منظر نویسندگان این پژوهش، ماهیت این تحقیق امری عینی و مادی گرایانه است. بدین معنی که واقعیت‌های مرتبط با مساله تحریم و امنیت اقتصادی به صورت عینی و محسوس قابل بررسی است. در همین راستا، تلاش شد مفهوم تحریم و امنیت اقتصادی به صورت عملیاتی در قالب شاخص‌های عینی تعریف شوند. بدین منظور رابطه دو متغیر اصلی این تحقیق یعنی تحریم و امنیت اقتصادی در حوزه نفتی در قالب روش تحقیق تحلیلی- تبیینی مورد توجه قرار گرفت و با ارائه تعریف مشخص از مفاهیم کلیدی در این تحقیق همچون تحریم و امنیت اقتصادی، نتایج تحریم در حوزه نفتی به بحث گذاشته شد. در ادامه منابع و داده‌های کمی و کیفی لازم به صورت کتابخانه‌ای و اینترنتی جمع‌آوری گردید و در قالب روش کمی و کیفی مورد تجزیه و

تحلیل قرار گرفت. در نهایت متاثر از رهیافت فوق، که واقعیات مادی و عینی را برای درک این موضوع مناسب تر می‌بیند، مشخص گردید، استفاده از چارچوب نظری واقع‌گرایی می‌تواند دریچه مناسبی برای نگاه به رابطه تحریم و امنیت اقتصادی ج.ا.ا. باشد. در ادامه از دریچه چارچوب نظری واقع‌گرایی موضوع تشریح می‌شود.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: یافته‌های تحقیق

تحریم‌های بین‌المللی به‌ویژه از سوی آمریکا بر اقتصاد ایران تأثیر گذاشته است. دوره ۲۰۱۲-۲۰۱۵ (پس از حمایت اتحادیه اروپا از تحریم نفتی علیه ایران تا زمان توافق هسته‌ای) سخت‌ترین دوره برای کشور بود. در اواسط سال ۲۰۱۳، هم رهبر معظم انقلاب، و هم رئیس‌جمهور وقت محمود احمدی‌نژاد اذعان می‌کردند که اقتصاد ایران از فشار خارجی آسیب جدی دیده است. بنابراین به خوبی قابل دریافت است که در نگاهی واقع‌بینانه تحریم‌های نفتی بر وضعیت اجتماعی و امنیت اقتصادی تأثیرات فراوانی گذاشته و علاوه بر آن هزینه‌های سیاسی نظام حاکم را افزایش داد. بدین صورت که امنیت ملی ایران از راه تحریم بانک‌ها، فشار اقتصادی بر مردم و نارضایتی آنان از دولت و همچنین بی‌کفایت نشان دادن دستگاه اجرایی نشان داده شد و هزینه‌های سیاسی دولت افزایش پیدا نمود. از رو، باید بیان داشت که تحریم‌ها در دوره اوبا و به‌ویژه دوره ترامپ، امنیت اقتصادی ج.ا.ا. در حوزه سیاست داخلی را با آسیب مواجه ساخت.

ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تحریم‌های نفتی علیه ایران از سوی تحریم‌کنندگان اهداف متعددی دارند و به‌طور همزمان به بسیاری از تهدیدات ایران پاسخ می‌دهند. سیاست تحریم و تأثیرات گسترده آن علاوه بر متأثر ساختن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نارضایتی عمومی در ایران را افزایش داد. کمبود بودجه بر برنامه‌های دولت با هدف توسعه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی تأثیر منفی گذاشت و کشور در سال ۲۰۱۲ تنها توانست ۲۱ میلیارد دلار در بخش نفت سرمایه‌گذاری کند و یک سال بعد این رقم حدود ۱۷ میلیارد کاهش می‌یابد. به گفته برخی کارشناسان، اگر برجام در سال ۲۰۱۵ امضا نمی‌شد، حجم سرمایه‌گذاری‌های ایران در صنعت نفت شرایطی را ایجاد می‌کرد که این کشور هر سال مبالغ کمتری از سال گذشته از صادرات نفت خود را دریافت می‌کرد و درآمدهای نفتی حتی کمتر از درآمدهای سال ۲۰۱۴ می‌شد که ۵۲ میلیارد دلار برای کشور به ارمغان آورد. در این شرایط توسعه برخی از میادین نفتی (مانند میادین نفتی یاران، میادین نفتی آزادگان شمالی و جنوبی) و زیرساخت‌های اتصال آن‌ها به پایانه‌های صادراتی متوقف یا کند شد، درحالی‌که اجرای موفقیت‌آمیز این پروژه‌ها می‌توانست تولید نفت ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار بشکه در روز ایران را افزایش دهد. طی دوره ۲۰۱۳-۲۰۱۲، نوسانات نرخ ارز در بازار ارز ایران احتمالاً یکی از آزمون‌های جدی برای اقتصاد کشور بود. در ژوئیه ۲۰۱۲، بانک مرکزی ایران توانست نرخ ریال را کنترل کند و

مجبور به کاهش ارزش آن شد. نرخ برابری دلار آمریکا از ۱۸۰۰۰ ریال در ژانویه ۲۰۱۲ به ۳۳۵۰۰-۳۴۵۰۰ ریال در مارس ۲۰۱۳ (در بازار آزاد) افزایش یافت. علاوه بر این، رشد ارزش دلار ثابت نبود: در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۳، به‌طور ناگهانی حداقل چهار بار جهش کرد و شوک‌های اجتماعی-اقتصادی جدی ایجاد کرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف: نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا تأثیرات تحریم‌های نفتی بر امنیت اقتصادی در ج.ا.ا بررسی شود. با کاربست امنیت اقتصادی در حوزه سیاست داخلی و خارجی در چارچوب رویکرد واقع‌گرایی و با استفاده از روش تحلیلی تبیینی و در قالب بهره‌گیری از روش کمی و کیفی به بررسی موضوع پژوهش اقدام شد. با توجه به اهمیت منابع انرژی و توجه به ابعاد اقتصادی آن در دستور کار امنیتی کشورها، تدارک استلزامات انرژی امن به یکی از ملاحظات کشورها تبدیل شده است؛ چنان‌که امنیت انرژی را به وجهی از امنیت ملی کشورها تبدیل کرده است. از سویی دیگر با توجه به اینکه شیوه تامین امنیت ملی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی تغییر کرده است، دیپلماسی انرژی به عنوان ابزاری اقتصادی، ابزار مناسب برای سیاست خارجی در حیطه انرژی در نظر گرفته شده است. از همین رو، نیاز است تا تأثیرات تحریم‌های نفتی بر سیاست‌های داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گیرد. این نتیجه حاصل شد که به‌طور قطع نمی‌توان از تأثیرات منفی تحریم‌های نفتی علیه امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران سخن به میان آورد. با این حال، آنچه واضح می‌باشد این است که تحریم‌های مذکور به عنوان ابزارهای فشار بر ایران در جهت دستیابی به اهداف نهایی آمریکا یعنی تغییر رفتار سیاسی ملت و نظام جمهوری اسلامی و توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران موفق نبوده و عمدتاً باعث فراهم آوردن فضایی نامناسب از لحاظ اقتصادی برای عموم مردم شده است. در حوزه امنیت اقتصادی در سیاست خارجی، تحریم‌های نفتی آمریکا در تغییر رفتار سیاسی ایران موفقیتی نداشته که این موضوع به گسترده بودن پایگاه اجتماعی، حجم بزرگ اقتصاد ایران و کم‌رنگ بودن اثر تحریم به عنوان یک ابزار فشار بر می‌گردد. در حوزه امنیت اقتصادی در سیاست داخلی، امنیت ملی ایران از راه تحریم بانک‌ها، فشار اقتصادی بر مردم و نارضایتی آنان از دولت و نیز بی‌کفایت جلوه دادن دستگاه اجرایی نشان داده شده است. به‌طور کلی می‌توان گفت این تحریم‌ها سبب افزایش قیمت خرید نفت و منابع انرژی از این کشور و همچنین هزینه‌های بالای تحریم شده که به هیچ وجه برای کشورهای غربی سودی را در بر نداشته است و امنیت جمهوری اسلامی ایران در سیاست داخلی و خارجی را با مشکل مواجه ساخت. در مجموع، تشدید تحریم‌های نفتی باعث کاهش صادرات، فناوری، سرمایه‌گذاری خارجی و در نتیجه تولید در صنعت نفت شده که موید تأیید فرضیه پژوهش است.

ب: پیشنهادات

- با عنایت به یافته‌های پژوهش در تقابل با تأثیر تحریم بر امنیت اقتصادی کشور، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:
- ایجاد سازو کار مالی و پولی با کشورهای هم‌پیمان ضمن طراحی کانال‌های تبادلی ایمن در برابر تحریم‌ها و اعمال قدرت تحریم‌گران و تأمین مالی پایدار بودجه.
 - اعمال مالیات بر ثروت و ممانعت از استفاده بی‌رویه از منابع و تسهیلات کشور در نظام یارانه‌ای.
 - تمرکز زدایی منابع تحصیل درآمد از کلانشهرها و مراکز به مناطق حاشیه‌ای کشور.
 - هدایت منابع و اعتبارات به سمت تولیدات بومی و ممانعت از تخصیص منابع به فعالیت‌های غیرمولد.
 - کوچک نمودن و در ادامه از بین بردن اقتصاد زیرزمینی بسیار فعال در کشور
 - تقویت پول ملی که هم‌اکنون جایگاه ارزشی خود را به طلا، سکه و ... داده و کاهش نقش طلا در اقتصاد کشور متناسب با نقش این فلز گران‌بها در اقتصاد کشورهای توسعه یافته.
 - آگاهی بخشی و بصیرت افزایی در حوزه اقتصاد و بیان آثار مخرب ناشی از رفتارهای هیجانی در این حوزه.
 - نظارت کارآمد به بازگشت ارز حاصل از صادرات و هدایت منابع تحصیلی آن به سمت سرمایه‌گذاری مولد.
 - آسیب شناسی سامانه مالیاتی و اتخاذ تمهیدات کنترلی ضمن به حداقل رساندن دخالت نیروی انسانی در این حوزه
 - نظارت ویژه بر عملکرد بانک‌ها و کاهش نرخ بهره و در تجانس با این اقدام کاهش نقدینگی در سطح کشور و افزایش سرمایه‌گذاری‌های مولد و به دنبال آن افزایش تولید منجر به بهبود اقتصاد.
 - افزایش و تشدید نظارت بر عملکرد بانک‌ها و جلوگیری از تبدیل آن‌ها به بنگاه‌های اقتصادی.
 - مدیریت یارانه‌های غیر نقدی ذیل اقداماتی نظیر مدیریت کامل شبکه توزیع، ممانعت از احتکار، تناسب قیمت‌ها، اطمینان از بهرمندی جامعه هدف و ممانعت از استفاده غیر ضروری اقشار مرفه.
 - در پایان به اختصار می‌توان به راهکارهایی که مورد وثوق اکثر کارشناسان اقتصادی بوده و مشتمل بر استفاده از پول ملی در مبادلات، افزایش حمایت از کالای ایرانی، کاهش وابستگی به نفت، توسعه ارتباطات دو جانبه، تولید و اشتغال، کوچک نمودن دولت، پول مشترک، خصوصی‌سازی، همگرایی با کشورهای تحت تحریم، افزایش امنیت و بیمه‌گذاری توانمند در صنایع حمل و نقل و کشتی رانی، تقویت و ایجاد زیرساخت‌های جدید انتقال انرژی، حرکت به سمت اقتصاد خصوصی نیز اشاره نمود.

منابع

الف- فارسی

- افتخاری، اصغر؛ خورشیدی اطر، امیرحسین. (۱۴۰۰). «رابطه نفت و امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران؛ تبیین و ارائه راهکاری برای آینده پیش‌رو». *مطالعات امنیت اقتصادی*، ۱ (۳): ۳۲-۱.
- تقدسی نژاد، عباس، سیف، الله مراد. (۱۳۹۳). «تأثیر تحریم خرید نفت ایران بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی پژوهشکده دفاعی*، ۱۳ (۷۶): ۵۵۰-۵۶۷.
- رصاف، مرضیه؛ رستم زاده، پرویز؛ اسلامولیان، کریم؛ هادیان، ابراهیم. (۱۴۰۰). «اثرات جهانی تحریم نفتی ایران: کاربردی از نظریه بازی‌ها». *تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۱۲ (۴۳): ۱۷۵-۱۳۳.
- ساعی، احمد؛ کاظمی، شمسی؛ طاهری، ابوالقاسم؛ مطلبی، مسعود. (۱۳۹۷). «تحریم نفتی ایران و اقتصاد سیاسی اتحادیه اروپا». *روابط بین‌الملل*، ۸ (۴): ۱۷۶-۱۵۱.
- سلمان خاکسار، عبدالحمید. (۱۳۸۹). *حکومت، فرد و امنیت*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- شهباز، حسن؛ نادری اصل، سعید. (۱۳۹۹). «اولویت‌بندی تأثیرات تحریم‌های نفتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله مراتبی». *سیاست خارجی*، ۳۴ (۱): ۹۷-۱۲۶.
- طالعی حور، رهبر؛ مینی، زهرا. (۱۴۰۱). «تأثیر تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر امنیت سلامت جمهوری اسلامی ایران در شرایط کرونا». *مطالعات راهبردی آمریکا*، ۲ (۲): ۹۳-۱۲۰.
- عزتی، مرتضی؛ سلمانی، یونس. (۱۳۹۳). «بررسی آثار مستقیم و غیرمستقیم تحریم‌ها در رشد اقتصادی ایران با تأکید بر بخش خارجی اقتصاد». *آفاق امنیت*، ۷ (۲۵): ۱۷۵-۱۴۹.
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۴). «اقتصاد سیاسی نفت و تحریم‌های بین‌المللی ایران». *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۰ (۳): ۲۰۰-۱۷۱.
- واعظی، محمود. (۱۴۰۱). «تعامل در سیاست خارجی و توسعه صنعت ایران». *مجله ویستا*، ۶ (۵): ۲۲-۱.
- یزدان فام، محمود. (۱۳۸۸). «امنیت نرم و چرایی اهمیت آن». *مطالعات راهبردی*، ۱۲ (۴۵): ۱۳۴-۱۰۹.

ب- انگلیسی

- Albarasneh, Ayman Saleh, and Dania Khatib. 2019. "The US policy of containing Iran – from Obama to Trump 2009–2018." *Global Affairs* 5 (4): 369-387.
- Allen, Susan Hannah. 2008. "The Domestic Political Costs of Economic Sanctions." *The Journal of Conflict Resolution*, 52 (6): 916-944.
- Badawi, T. 2018. *The US Sanctions Report Again: Influences and Limits of Iranian Economic Resilience*. Al Jazeera Center for Studies, Doha.

- Baluev, D. 2014. "The evolution of economic sanctions as an instrument of foreign policy." *International processes* 12 (3): 20-33.
- Barber, B.B. 2020. "Sanctions and Interventions." In *Japan's Relations with Muslim Asia*, edited by Palgrave Macmillan, Cham, Switzerland.
- Barkindo, M.S., and A.S. Al-Qahtani. 2019. *OPEC Annual Statistical Bulletin*. Vienna, Austria.
- Bollino, C.A., B. Efird, F. Hasanov, and E. Hatipoglu. 2019. Iran Sanctions: *Implications for the Oil Market. Research Report*, No.KS-2019-II01. KAPSARC Center, Riyadh. Available at: <https://www.kapsarc.org/research/publications>
- Branda, O. 2018. "Changes in the American foreign policy: from Obama to Trump." *International Conference Knowledge-Based Organization* 24 (2): 57-69.
- Brown, J.T., and D. Bowman. 2020. "Economic security and dignity: a financial wellbeing framework.", *Research & Policy Centre Brotherhood of St Laurence*, available at: https://library.bsl.org.au/jspui/bitstream/1/11926/4/BrownBowman_Economic_security_and_dignity_framework_2020.pdf.
- Büthe, T. 2020. "Lecture 15. Wielding Economic Power: Economic Sanctions & Foreign Aid: Duke University PS 93 Guest Lecture." *Retrieved from: http://people.duke.edu/~buthe/downloads/teaching/Buthe_PS93F09_Economic_Power.pdf* (accessed January 23, 2020).
- Buzan, B. 1991. "New patterns of global security in the twenty-first century." *International affairs* 67 (3): 431-451.
- Chabot, C. 1995. *Defining high Technology*. Stanford: Stanford Publication of Stanford University.
- Chen, J., Z. Zhu, and H.Y. Xie. 2004. "Measuring intellectual capital: a new model and empirical study." *Journal of Intellectual Capital* 5 (1): 195-212.
- Chowdhry, Sonali, Anna-Katharina Jacobs, and Katrin Kamin. 2020. "a crisis in times of crisis: Combating COVID-19 under sanctions in Iran." *Kiel Institute for the World Economy*, Published: Kiel Institute for the World Economy (IfW), at <https://www.econstor.eu/handle/10419/216207>
- Clinton, B. 1997. Developments Concerning the National Emergency with Respect to Iran: Message from the President of the United States Transmitting a Report on Developments *Concerning the National Emergency with Respect to Iran that Was Declared in Executive Order* No. 12957 of March 15, 1995, and Matters Relating to the Measures in that Order and in Executive Order 12959 of May 6, 1995, Pursuant to 50 USC 1703 (C), 105. US Government Printing Office.
- Cronin, P.M. 2009. Strategic Assessment 2009: America's Security Role in a Changing World. Washington, D. C.: *Institute for National Strategic Studies*, National Defense University Press.
- Dhami, S. 2016. The foundations of behavioral economic analysis. *Oxford University Press*.
- Dizaji, Sajjad Faraji, 2014. "The effects of oil shocks on government expenditures and government revenues nexus (with an application to Iran's sanctions)," *Economic Modelling*, *Elsevier*, vol. 40(C), pages 299-313.

- Dubowitz, M. 2015. Implications of a Nuclear Agreement with Iran. Hearing before the House Committee on Foreign Affairs. Foundation for Defense of Democracies (FDD) Report. **Center on Sanctions and Illicit Finance**, Washington DC, U.S.
- Economides, S., and P. Wilson. 2001. **The Economic Factor in International Relations**. London; New York: I. B. Tauris Publishers.
- Esfandiary, D., and M. Fitzpatrick. 2011. "Sanctions on Iran: defining and enabling 'success'." *Survival* 53 (5): 143–156.
- Farhidi, F., and K. Madani. 2015. "A Game Theoretic Analysis of the Conflict over Iran's Nuclear Program." In **Proceedings of the 2015 IEEE International Conference on Systems, Man, and Cybernetics**, Hong Kong, China, 9–12 October 2015; IEEE: Piscataway, NJ, USA, 2015; pp. 617–622.
- Farzanegan, M., M. Mohammadikhabbazan, and H. Sadeghi. 2015. **Effect of Oil Sanctions on the Macroeconomic and Household Welfare in Iran: New Evidence from a CGE Model**. Joint Discussion Paper Series in Economics, by the Universities of Aachen.
- Fiedler, R. 2013. "Hard power dismisses soft power—the United States' relations with the Iranian Islamic Republic in the shadow of the nuclear program." *Przegląd Politologiczny* (3): 27–38.
- Filipenko, Anton, Olena Bazhenova, and Roman Stakanov. 2020. "ECONOMIC SANCTIONS: THEORY, POLICY, MECHANISMS." *Baltic Journal of Economic* 6 (2): 69-80.
- Financial Tribune. 2017. "Budget's Oil Dependence Declines to 30%." *The Financial Tribune*, 25 April [online]. Available at: <https://financialtribune.com/articles/economy-domestic-economy/63082/budget-s-oil-dependence-declines-to-30>[Accessed 18 Aug 2022].
- Frank, J. 2017. **The Empirical Consequences of Trade Sanctions for Directly and Indirectly Affected Countries**: FIW Working Paper № 174. Vienna.
- Ghodsi, Mahdi, and Huseyin Karamelikli. 2022. "The Impact of Sanctions Imposed by the European Union against Iran on their Bilateral Trade: General versus Targeted Sanctions." *World Trade Review* 21 (1): 33-58.
- Guardian. 2012a. "Iran Currency Crisis Sparks Tehran Street Clashes." *The Guardian*, 3 October [online]. Available at: <https://www.theguardian.com/world/2012/oct/03/iran-currency-crisis-tehran-clashes> [Accessed 18 August 2022].
- Guardian. 2012b. "Reports of Street Protests in Iran due to Soaring Price of Chicken." *The Guardian*, 23 July [online]. Available at: <https://www.theguardian.com/world/iran-blog/2012/jul/23/street-protests-iran-chicken> [Accessed 18 August 2022].
- Gryshova, Inna, Mykola Kyzym, Irina Hubarieva, Viktoriia Khaustova, Anatoly Livinskyi, and Mykola Koroshenko. 2020. "Assessment of the EU and Ukraine Economic Security and Its Influence on Their Sustainable Economic Development." *Sustainability* 12: 7692.
- Hu, Xiaoxiao, Ling He, and Qi Cui. 2021. "How Do International Conflicts Impact

China's Energy Security and Economic Growth? A Case Study of the US Economic Sanctions on Iran." *Sustainability* 13 (12): 1-17.

- Hufbauer, G.C., J.J. Schott, K.A. Elliott, and B. Oegg. 2007. *Economic Sanctions Reconsidered*. 3rd ed. Washington, D. C.: Peterson Institution for International Economics.
- Husainova, E.A., L.R. Urazbahtina, N.A. Serkina, E.A. Dolonina, and O.V. Filina. 2019. "Monitoring tools of regional economic security." *E3S Web of Conferences* 124: 05009.
- Hussain, Yaseen, Muhammad Khayal, Muhammad Farooq, Umar Omarkhail, Siraj Khan, Muhammad Kamran, and Haroon Rashid Khan, Zakir. 2020. "COVID-19 in five neighbouring limited resources countries: a financial and health threats." *Value Health Regional Issues*, Jun 30 at: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC7324313/>
- Katzman, K. 2009. (ISA). Iran Sanctions Act ,Library of Congress, Congressional Research Service, No.ADA501361, Washington DC. Available at: <https://apps.dtic.mil/sti/citations/ADA501361>.
- Katzman, K. 2016. *Iran Sanctions*. Library of Congress, Congressional Research Service, No.RS20871, Washington DC. Available at: <https://www.crs.gov>.
- Katzman, K. 2019. *Iran Sanctions*. Library of Congress, Congressional Research Service, No.RS20871, Washington DC. Available at: <https://www.crs.gov>.
- Kerr, P.K., and K. Katzman. 2018. *Iran Nuclear Agreement and US Exit*. Congressional Research Service, No.R43333, 20 July. www.crs.gov.
- Khalaf, Athbi. 2020. "American attitude towards Iran and its reflection on Iran policy towards the Arab region." *Review of Economics and Political Science* 5 (7): 1-14.
- Khan, Arif, and Nargis Zaman. 2018. "TRUMP POLICY TOWARDS IRAN: CHALLENGES AND IMPLICATIONS." *Pakistan Journal of Humanities & Social Science Research* 1 (2): 65-79.
- Kozhanov, N.A. 2022. "Iran's Economy under Sanctions: Two Levels of Impact." *Russia in Global Affairs* 20 (4): 120-140.
- Lopez, G.A., and D. Cortright. 1995. "The sanctions era: an alternative to military intervention." *Fletcher Forum World Aff* 19 (7): 60-72.
- Nakhli, Seyyed Reza, Monireh Rafat, Rasul Bakhshi Dastjerdi, and Meysam Rafei. 2021. "Oil sanctions and their transmission channels in the Iranian economy: A DSGE model." *Resources Policy* 70 (21): 1-14.
- Nephew, R. 2017. *The Art of Sanctions: A View from the Field*. Columbia University Press.
- Obama, B. 2011. *Executive Order 13590: Authorizing the Imposition of Certain Sanctions with Respect to the Provision of Goods, Services, Technology, or Support for Iran's Energy and Petrochemical Sectors*. *Presidential Documents* 72609, 76. Office of the Federal Register, United States, p. 226. Available at: <https://www.hsdl.org>.
- Özdamar, Özgür, and Evgeniia Shahn. 2021. "Consequences of Economic Sanctions: The State of the Art and Paths Forward." *International Studies Review*

- 23 (4): 1646-1671.
- Rennack, D.E. 2018. "Iran: US economic sanctions and the authority to lift restrictions (updated)." *Current Politics and Economics of the Middle East* 9 (1): 19–82.
 - Samore, G. 2015. Sanctions against Iran: a Guide to Targets, Terms, and Timetables. *Belfer Center for Science and International Affairs*. Harvard Kennedy School, Cambridge, MA. Available at: <https://www.belfercenter.org/publication/sanctions-against-iran-guide-targets-terms-and-timetables>.
 - Selmi, R., J. Bouoiyour, and A. Miftah. 2020. "Oil price jumps and the uncertainty of oil supplies in a geopolitical perspective: The role of OPEC's spare capacity." *Int. Econ* 164 (20): 18–35.
 - Singh, S. 2012. *WTO Compatibility of United States 'Secondary Sanctions Relating to Petroleum Transactions with Iran*. Neu Delhi.
 - Speller, I. 2003. "A splutter of musketry? The British military response to the angloIranian oil dispute, 1951." *Contemp. Br. Hist* 17 (1): 39–66.
 - Tinbergen, J. 1956. *Economic Policy: Principles and Design*. Amsterdam.
 - Torbat, A.E. 2005. "the US trade and financial sanctions on Iran." *World Econ* 28 (3): 407–434.
 - Trading Economics. 2019. "Iran Unemployment Rate." *Trading Economics*, January [online]. Available at: <https://tradingeconomics.com/iran/unemployment-rate> [Accessed 24 March 2022].
 - Uspenskij, Mikhail, Aleksei Makarov, Anton Sochnev, Svetlana Shirokova, and Vladislav Petrov. 2019. "Development of a software structure for monitoring the working capacity of the data storage system for predicting failures and preventing critical situations." Paper presented at *33rd International Business Information Management Association Conference*, Granada, Spain, April 10–11; pp. 8508–14.
 - Werner, M.J., J. Kampouridi, and L. Ryzgelyte. 2019. "Undertakings caught in the crossfire: US sanctions on Iran vs. the EU Blocking Regulation and possible compensation as State aid." *ERA Forum* 20 (19): 63–79.
 - Wright, R.B. 2010. *The Iran Primer: Power, Politics, and U.S. Policy*. Washington, DC, USA: U.S. Institute of Peace Press.
 - Zoueiri, M., and F. Suleiman. 2018. "US withdrawal from the Iranian nuclear agreement: Implications and prospects." *Journal of Middle Eastern Studies* 85 (18): 1-21.

- **Mohsen Shirzadi**, Ph.D. graduate in Political Science, University of Mazandaran.
- **Hossein Rafie**, Associate Professor of the Department of Political Science, University of Mazandaran.
- **Ali Akbar Jafari**, Professor of the Department of Political Science, University of Mazandaran.
- **Mokhtar Salehi**, Assistant Professor of the Department of Political Science, University of Mazandaran.

COPYRIGHTS

2026 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

